

کلئوپاترا

ملکہ نیل

کالین فالکنر

مترجم: آزادہ میر شاہی

www.ketab.ir

سرشناسه

: فالکنر، کالین، ۱۹۵۳ م.

Falconer, Colin

عنوان و نام پدیدآور : کلئوپاترا ملکه نیل / کولین فالکونر: میرشاهی.

مشخصات نشر : تهران: سمیر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۶۸ ص.

شابک : 978-964-220-099-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان اصلی : Die konigin vom nil

موضوع : کلئوپاترا، ملکه مصر. ۶۹-۳۰ ق.م.

موضوع : داستان‌های انگلیسی - - قرن ۲۰ م.

موضوع : Cleopatra, Queen of Egypt

شناسه افزوده : میرشاهی، آزاده، مترجم

رده‌بندی کنگره : PZ۳/ف۲۷۴ ک۸ ۱۳۹۱

رده‌بندی دیویی : ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۷۹/۲۲



ناشر سمیر

عنوان: کلئوپاترا ملکه نیل

نویسنده: کالین فالکنر

مترجم: آزاده میرشاهی

چاپ سوم: ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰

چاپ و صحافی: تاجیک

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۰۹۹-۳

آدرس: خیابان اردیبهشت شمالی - کوچه وحید - شماره ۱ - واحد ۴

تلفن: ۶۶۹۶۰۶۰۳-۶۶۴۱۲۷۲۶

۴۲۰۰۰۰ تومان

به نام او

تقدیم به حامیان همیشگی، به پدر و مادرم
زندگی کلثوپاترا، ملکه مصر، همواره مورد توجه نویسندگان بسیاری
بوده و پاره‌ای از آثار این نویسندگان که عمدتاً از نویسندگان توانمند جهان
هستند به زبان فارسی ترجمه شده است.

گرچه سراسر زندگی کلثوپاترا برای رسیدن به قدرت و ماندن او در اوج
اقتدار صرف شده است، اما لحظاتی لطیف در زندگی، او را به عنوان یک
زن، یک مادر و یک همسر، به موجودی محبوب و مهربان بدل می‌کند.
هر چند پس از همه تلاش‌ها و کوشش‌ها، با وجود همه توانایی‌ها و
هنرمندی‌ها، قدرت‌های شرک‌آلود، در پای نظام هوشمند هستی سر
تعظیم فروود می‌آورند؛ زیرا که جهان هستی یک و تنها یک خدای رحمان
و رحیم دارد که هر خدانمایی در برابر عظمتش رنگ خواهد باخت.

این اثر ترجمه‌یی از کتاب Die Königin vom Nil است که این
کتاب خود، ترجمه آلمانی کتاب کلثوپاترا نوشته کالین فالکنر است. در
ترجمه این اثر تا حد ممکن سعی بر وفاداری به متن آلمانی بوده و جز در
مواقع ضروری از ترجمه آزاد استفاده نشده است. تلفظ کلمات و اسامی
خاص براساس آنچه در آثار ترجمه شده مشابه پیشین ذکر شده (و نه بر
اساس تلفظ آلمانی آن‌ها) انتخاب شده است. در حد توان کوشیده شده که
اصطلاحات، مکان‌ها و کلمات خاص که تا حدی بیگانه می‌نموده، در
پاورقی همراه با مختصر توضیحی آورده شود.

به طور حتم این ترجمه می‌توانسته در این جا و آن جا، در این اصطلاح
یا آن کلمه و عبارت از آن چه هست بهتر باشد؛ که امید است با راهنمایی
دوستان و صاحب‌نظران در چاپ بعدی این نواقص برطرف شود.
در اینجا ضروری می‌دانم از همراهی‌ها و دقت‌نظر دوست عزیزم،

خانم پریسا بنیادلو، طی دو سالی که صرف ترجمه این اثر شد تشکر و
قدردانی نمایم.
در نهایت از خواندن متن آلمانی و جملات خاص آن، نکته‌ها آموخته و
لذتها برده‌ام. امید است خواندن این متن برای عزیزان فارسی زبان خالی
از لطف نباشد.

آزاده میرشاهی

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

تاریکی، سنگ سرد زیر سرانگشتان، سایه‌هایی که بر دیوارها می‌رقصیدند، نور مشعل که در مسیر دخمه پرپر می‌زد: این‌جا مثل مرگ، سرد و مرطوب بود. زمان زیادی طول کشید تا چشمانش به نور شب عادت کرد.

پیش از آن‌که آن‌ها را ببیند، صدای‌شان را شنید: پیچ و تاب خوردن‌های نرم، بدن‌هایی سرد که به خود می‌پیچیدند و می‌خربیدند تا از تابش نور فرار کنند. نتوانست از آن‌ها چشم بردارد؛ اعضای بدنش از دهشت کمین‌کرده گودال، فلج شده بود. در نظرش صدها بودند: تعداد بیشماری مرگ با چشمانی که چون خرده‌های نارسنگ می‌درخشید.

مار افعی را شناخت که زبان دوشاخه‌اش با سرعت از دهانش خارج می‌شد. نیش این مار باعث رنج‌هایی می‌شد که تمام بدن را دربر می‌گرفت، بر پوست لکه‌هایی زشت و به سرخی آتش ایجاد کرده و بدن در قسمت‌های مختلف، آماس می‌کرد. پس از آن باعث می‌شد قربانی کنترل‌ناپذیر و روده‌ها را از دست بدهد، حالتی چندان‌آور از مرگ که در خور کسانی بود که به مرگ مضاعف مجازات می‌شدند.

آن‌جا بدنی بلند و باریک با رگه‌هایی زرد و قهوه‌یی بر پوست و بر گردن پره‌هایی به شکل کلاه که مار کبرا بود: نماد مقدس مصر بالایی، نماد سلطنتی فراغت و بطالسه. یونانی‌ها این مار را بازلیسک^۱ یا شاه کوچک می‌نامیدند. در کتاب مردگان این مار نماد زندگی جاودانه بود.

نیشش کشنده بود، با این حال در قیاس با دیگر مارها بی‌درد. پس از زمان اندکی اعضای بدن قربانی سنگین می‌شد، قربانی به خوابی رفته که دیگر از آن بیدار نمی‌شد. دندان‌های زهرآگین، دو زخم کوچک بر جای می‌گذاشت. به جز آن، بدن هیچ تغییر دیگری نمی‌کرد، بلکه حتی شأن قربانی را حفظ می‌کرد. برای کشتن برنیک^۲، خواهر بزرگ‌تر او که در برابر پدر قیام و دستش را به تخت پادشاهی او دراز کرده بود این راه را انتخاب کرده بودند.

اکنون پدر، سرش را بسیار به گوش او نزدیک کرد. ریش زیر پدر که گونه‌اش را قلقلک داد احساس کرد. پدر زمزمه کرد: «این دنیایی است که تو به ارث برده‌ای. هر قصری مارهایی دارد که

دو برابر این مارها سمی هستند. این اوباش زندگی تو را همراهی خواهند کرد. اگر می خواهی زنده بمانی، باید بیاموزی که همین قدر نرم باشی، باید مثل این ها، زهرت را هوشمندانه به کارگیری و همین طور بی رحمانه ضربه بزنی. فهمیدی چه گفتم؟»
کلئوپاترا پاسخ داد: "اوه، بله."
کلئوپاترا آن روز ده ساله بود.

www.ketab.ir